

آسیب‌شناسی توسعه پولی از منظر رشد اقتصادی و کنترل تورم

نوع مقاله: پژوهشی

محمد سلگی ۱

مهدی وطنخواه ۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر، با توجه به عملکرد بانک‌های خصوصی در ایران، به بررسی اثر توسعه نظام پولی بر رشد اقتصادی و تورم می‌پردازد. این پژوهش با رویکرد ترکیبی و استراتژی تبیینی متوالی انجام شد. در مرحله کمی، از روش رگرسیون خودتوضیح با وقفه‌های توزیعی استفاده گردید و در مرحله کیفی، فراترکیب مطالعات به کار گرفته شد. حجم نمونه در مرحله کمی برابر با داده‌های سری زمانی سالانه متغیرهای نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی و شاخص اصلی توسعه پولی (نسبت نقدینگی بر تولید ناخالص داخلی) در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۱ بوده است. همچنین، نمونه مورد مطالعه در مرحله کیفی برابر با ۱۳۰ سند، مقاله و گزارش بوده است. یافته‌ها نشان داد توسعه پولی در کوتاه‌مدت موجب رشد اقتصادی می‌شود، اما در بلندمدت با سازوکار تورمزایی، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، عمده دلایل اصلی اثرگذاری نامطلوب توسعه پولی بر تورم و رشد اقتصادی شامل خلق پول بی‌رویه، ضعف در اجرای سیاست خصوصی‌سازی بانک‌ها، افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها و رقابت مخرب آنها بوده است. بنابراین، سیاست توسعه پولی با تأسیس بانک‌های تجاری در این دارای ضعف‌های بسیار بوده و به صورت عملی در مهار تورم و رونق اقتصاد ناموفق بوده و حتی موجب افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه بازارهای مالی، بهبود اقتصادی، بانک‌های خصوصی، بانک‌های تجاری،

سیاست توسعه پولی

طبقه‌بندی JEL: E3, E6, G2

۱ استادیار مدیریت مالی، گروه برنامه و بودجه و مالی، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. kpmsolgi@ihu.ac.ir

۲ نویسنده مسئول، دانشجوی مدیریت صنعتی گرایش مالی، گروه برنامه و بودجه و مالی، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. mahdi.vatankhah1377@ihu.ac.ir

مقدمه

رشد اقتصادی و تورم از جمله سنجه‌های مورد توجه اندیشمندان اقتصادی هستند. مطابق آمارهای بانک جهانی، با محاسبه متوسط نرخ رشد اقتصادی ایران در دهه ۱۳۹۰، این مقدار برابر با حدود ۱،۳۴ درصد بوده است که در برابر متوسط نرخ تورم ۲۰،۲۵ درصدی، بسیار ناچیز بوده است. بر اساس دیدگاه‌هایی مانند نظریه رمزی ۱ (۱۹۲۸)، تورم ریشه در ناکارآمدی نظام پولی دارد. در ایران، شواهد تجربی نشان می‌دهد که نرخ بالای تورم به عدم تخصیص بهینه منابع و کاهش رشد اقتصادی منجر شده است (بخشی‌دستجردی و شیخ‌انصاری، ۱۳۹۴). در ایران، با توجه به عدم شهرت واحدهای تولیدی و عدم توسعه‌یافتگی بازارهای مالی، تأمین مالی تولید مبتنی بر بانک است (محرابیان و صفایی، ۱۳۸۹؛ نظرپور و همکاران، ۱۳۹۵) و بانک‌ها با خلق نقدینگی جهت کسب سود، بر تولید و تورم اثرگذار هستند (پورعجم و همکاران، ۱۴۰۰؛ طباطبائی و همکاران، ۱۴۰۳). یعنی بانک‌ها با هدف کسب سود، اقدام به خلق نقدینگی نموده و با ایجاد تورم افسارگسیخته، در بلندمدت آثار مثبت کوتاه‌مدت را خنثی نموده و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شوند. تاسیس بانک‌های خصوصی در ایران، با پیشنهاد صندوق بین‌المللی پول، در رهنمودهای قانون برنامه پنج ساله سوم، تبصره‌های بودجه سال ۱۳۷۸ و مصوبات دولت به‌صورت راهبردهای توسعه مورد ابلاغ قرار گرفت و در نهایت، تاسیس آنها بواسطه تصویب ماده ۱۸ لایحه اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی کشور با هدف بهبود نظام اقتصادی کشور، صورت پذیرفت که مطابق آمارهای مذکور، این هدف تحقق نیافته و بیانگر اهمیت و ضرورت مطالعه حاضر است (معصومی‌نیا، ۱۴۰۰).

مطالعات حوزه مورد مطالعه حاضر، در سه دسته دسته‌بندی می‌شود. دسته اول مطالعات، به بررسی رابطه میان توسعه نظام پولی و اجزای آن بر رشد اقتصادی پرداخته که شامل مطالعات طیب‌نیا و صفایی (۱۳۸۷)، منصف و همکاران (۱۳۹۲)، ورهرامی و همکاران (۱۳۹۴)، زروکی و همکاران (۱۳۹۴)، مکیان و ایزدی (۱۳۹۴)، شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، فلیحی و بخارایی (۱۳۹۶)، داو و همکاران (۲۰۰۸)، حکیم ۳ (۲۰۱۰)، ابوبکر و موسی‌گانی ۴ (۲۰۱۳)، ابوشربه ۵ (۲۰۱۷)، نقش‌پور و

1 Ramsey

2 Dow

3 Hakeem

4 Abubakar & Musagani

5 Abusharbeh

دیویس ۱ (۲۰۱۸) و محزبی ۲ و همکاران (۲۰۱۹) است. دسته دوم مطالعات، به بررسی رابطه میان توسعه نظام پولی و اجزای آن بر تورم پرداخته که شامل مطالعه ریحانی‌محب‌سراج و همکاران (۱۴۰۰) است. دسته سوم مطالعات، به بررسی رابطه میان توسعه نظام پولی و اجزای آن بر تورم و رشد اقتصادی پرداخته که شامل مطالعات منفرد و همکاران (۱۴۰۰) و ایکپسو ۳ (۲۰۲۱) است. مطالعه حاضر در دسته سوم جای گرفته و نوآوری آن، بررسی علل یافته‌های موضوع پژوهش با استفاده از تحلیل کیفی، ذیل یک رویکرد ترکیبی است. یافته‌های مطالعه حاضر، به توسعه ادبیات حوزه پولی اقتصاد پرداخته و معضلات بانک‌های تجاری برای اقتصاد ایران و نتایج سیاست تأسیس آنها از منظر توسعه پولی نظام مالی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ و بدین ترتیب، می‌تواند مورد استفاده اندیشمندان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرارگیرد. در ادامه، به تشریح ادبیات و پیشینه، روش‌شناسی، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری

توسعه نظام مالی و رشد اقتصادی

ریشه ظهور ادبیات توسعه بازارهای مالی در اظهارات باگهوت ۴ (۱۸۷۳) در رابطه با نقش نظام مالی در صنعتی‌شدن بریتانیا و نظریات شومپیتر ۵ (۱۹۱۲) بوده که با کار پاتریک ۶ (۱۹۶۶) به صورت قابل توجهی توسعه یافت. آنان ایجاد و توسعه نظام مالی به صورت فعال را منجر به توسعه و رشد اقتصادی دانسته و متعاقب آن فرضیه رشد مالی محور شکل گرفته و مورد توجه اقتصادهای در حال توسعه قرار گرفت (شاه‌حبیب‌الله و انگ ۷، ۲۰۰۷). در رابطه با توسعه بازارهای مالی، دیدگاه‌ها در دسته کلی جای می‌گیرند. در دیدگاه اول، تنها ماهیت بازارهای مالی را خدمت به صنعت دانسته و در مقایسه با سایر عوامل رشد اقتصادی، آنها را منفعل در نظر گرفته است. پیروان مکتب مذکور، باور خود را از نظریه رایبنسون ۸ (۱۹۵۲) برگرفته و باور دارند که واسطه‌های مالی بازارهای مالی تنها

1 Naghshpour & Davis

2 Mhadhbi

3 Ikpesu

4 Bagehot

5 Schumpeter

6 Patrick

7 Shahhabullah & Eng

8 Robinson

کانال‌هایی جهت هدایت سرمایه هستند. اما در دیدگاه دوم، نظریات شومپیتر (۱۹۱۲) به‌عنوان اساسی برای اندیشمندانی چون گلداسمیت ۱ (۱۹۶۹)، مکینون ۲ (۱۹۷۳)، شاو ۳ (۱۹۷۳)، کینگ و لوین ۴ (۱۹۹۳)، لوین و همکاران (۲۰۰۰) و لوین (۲۰۰۴) پذیرفته شده و باور دارند که بازارهای مالی در توسعه و رشد اقتصادی نقش فعالانه داشته و تفاوت کمی و کیفی خدمات در واسطه‌های مالی، قابلیت توضیح بخش قابل‌توجهی از تفاوت نرخ رشد کشورها را دارد (صمدی و همکاران، ۱۳۸۶). نظریات دسته دوم در قالب نظریات رشد درون‌زای اقتصاد جای می‌گیرند. نظریه‌های رشد درون‌زا که رشد اقتصادی را ناشی از عوامل درونی نظام اقتصادی می‌دانند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵)، در دهه ۱۹۸۰ توسط اقتصاددانانی مانند رومر ۵ (۱۹۸۶) و لوکاس ۶ (۱۹۹۸) توسعه یافتند. این نظریات، توجه به رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی را احیا کردند؛ رابطه‌ای که پیش‌تر در آثار اولیه قرن بیستم (مانند شومپیتر، ۱۹۱۲) مورد اشاره قرار گرفته بود.

نظام پولی، خلق نقدینگی و تورم

بازار پول، بازار تبادل اوراق بهادار با سررسید کمتر از یک سال است که از ویژگی‌های آن می‌توان ریسک کم و نقدشوندگی بالا نام برد (ساندرز و کورنت ۷، ۱۳۹۸). مطابق ادبیات علم اقتصاد، بازار پول به دو دسته کلی قابل‌دسته‌بندی است که شامل سطح خرده‌فروشی و عمده‌فروشی است. در سطح خرد، مؤسسات مالی در بازارهای مالی اقدام به فعالیت نموده و وظیفه انتقال وجوه را میان تأمین‌کنندگان منابع مالی و متقاضیان منابع مالی برعهده دارند و در سطح کلان، بانک‌ها باهدف مدیریت نقدینگی و سیاست‌گذاری حوزه پولی، به تعامل با یکدیگر می‌پردازند (تائو ۸، ۲۰۱۰). فعالیت بانک‌ها با تحریک پس‌انداز و سپس تخصیص کارا منابع، موجب توسعه اقتصادی می‌گردد (ورهرامی و همکاران، ۱۳۹۵). مطابق نظریه‌های واسطه مالی، خلق نقدینگی توسط بانک‌ها به‌واسطه تسهیلات غیر نقد به تقاضای سپرده نقد تأمین می‌گردد (دیاموند ۹، ۱۹۸۴). در واقع، بانک‌ها با ترازنامه به

1 Goldsmith

2 Mckinnon

3 Shaw

4 King & Levin

5 Romer

6 Lucas

7 Saunders & Cornett

8 Thau

9 Diamond

واسطه تبدیل دارایی‌های تقریباً غیر نقد به تقریباً نقد، خلق نقدینگی می‌نمایند (آلن و کریستا، ۲۰۱۷).

ارتباط میان نقدینگی و تورم در نظریات فیشر^۲ (۱۹۱۱) ریشه دارد. وی در نظریه مقداری پول، تورم را ناشی از عرضه پول تبیین نموده و بیان نمود که افزایش حجم پول در جریان به صورت مستقیم موجب افزایش متناسب بهای کالاها در طول زمان می‌گردد (دیماند^۳، ۲۰۰۰). فیشر اعتقاد داشت که سرعت گردش پول به مثابه انتشار اسکناس اضافه است و اینطور مثال می‌زند که اگر هر دلار یکبار در سال مورد تبادل قرار گیرد، با آن می‌توان یک مرتبه معامله نمود و اگر ده مرتبه مورد تبادل قرار گیرد، با آن می‌توان ده معامله نمود. بنابراین، طرفداران نظریه مقداری پول فیشر، تورم را ناشی از افزایش پول در گردش اقتصاد یک کشور می‌دانند (چینی، ۱۳۳۸). البته در رابطه با خاستگاه تورم، نظریات دیگری مانند نظریه کینز^۴ (۱۹۳۶)، انگل^۵ (۱۹۶۱) و کاناوس^۶ (۱۹۸۲) نیز وجود دارد که ریشه تورم را عوامل غیر پولی مانند افزایش تقاضا نسبت به عرضه، افزایش هزینه‌های تولید و ضعف ساختاری کشورها معرفی می‌نمایند که از بیان آن صرف نظر می‌گردد. مطابق تعریف بانک فدرال رزرو آمریکا، تورم افزایش نامتناسب، نامنظم و فزاینده سطح عمومی بهای کالا و خدمات است (فدرال رزرو کلیولند، ۲۰۲۳).

توسعه نظام پولی (تأسیس بانک‌های تجاری) باهدف مهار تورم و رشد اقتصادی در ایران

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بانک‌های خصوصی در ایران فعالیت می‌نمودند، اما پس از پیروزی آن، شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸، بانک‌ها را ملی اعلام نمود. پس از سال ۱۳۷۰ موسسات مالی اعتباری متنوعی در ایران، مورد تأسیس قرار گرفتند (معصومی‌نیا، ۱۴۰۰) و سپس با تبلیغات گسترده، در نهایت در سال ۱۳۷۷ بانک مرکزی، موافقت خود را با تأسیس بانک‌های خصوصی اعلام نموده و بدین ترتیب، در سال ۱۳۷۹، قانون تأسیس بانک‌های غیردولتی در جهت رشد اقتصاد و جلوگیری از زیان جامعه، به تصویب رسید (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹). بانک‌های خصوصی

1 Allen & Christa

2 Fisher

3 Dimand

4 Keynes

5 Engel

6 Canavese

7 Cleveland Federal reserve

همانند یک بنگاه اقتصادی، به دنبال حداکثرسازی سود خود بوده و به دنبال مصالح اقتصاد نیستند. در واقع این بانک‌ها با خلق پول و فعالیت‌های سوداگرانه به اعطای سودهای بالا پرداخته و ضمن، افزایش نابرابری را در جامعه، موجب نزول سرمایه‌گذاری در کشور می‌گردند (معصومی‌نیا، ۱۴۰۰). درحالی‌که تا سال ۱۳۹۹، حدود ۴۰ بانک خصوصی تجاری در ایران وجود داشته، در بازه سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸، رشد اقتصادی نزدیک صفر بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

حاتمی‌سولگانی و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی تحلیل اثرات توسعه مالی و سیاست پولی بر رشد اقتصادی از طریق کانال وام‌دهی بانکی، با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و داده‌های ۱:۱۳۷۸ تا ۱:۱۴۰۲، دریافتند که توسعه پولی، از طریق کانال وام‌دهی، منجر به افزایش رشد اقتصادی شده است.

قریشوندی‌ابراک و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان فراگیری مالی و رشد اقتصادی؛ تحلیل بین‌کشوری، با روش تحلیل همبستگی با رگرسیون پانل و داده‌های بازه ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۱ برای ۵۹ کشور با درآمدبالا، دریافتند که برخی شاخص‌های فراگیری مالی مانند تسهیلات بانکی، منجر به افزایش رشد اقتصادی شده‌اند.

ریحانی‌محب‌سراج و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان توسعه مالی و اثربخشی سیاست‌های پولی ضد تورمی در ایران، با روش تحلیل همبستگی با ARDL با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱:۱۳۶۸ الی ۴:۱۳۹۵، دریافتند که شاخص توسعه مالی دارای اثر کاهنده بر اثربخشی سیاست پولی بوده است.

منفرد و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی نقش توسعه مالی در کارایی سیاست پولی ایران در تعیین تولید و تورم، با استفاده از رهیافت فیلتر-کالمن در سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۹۹ پرداختند. آنها دریافتند که با بهبود شاخص توسعه مالی، کارایی سیاست پولی در اثرگذاری بر رشد اقتصادی کمتر خواهد شد و تاثیر شاخص‌های توسعه مالی بر کارایی سیاست پولی در اثرگذاری بر تورم، منفی و از نظر آماری معنادار بوده است.

فلیحی و بخارایی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی اثر عمق مالی بر رشد اقتصادی در ایران، با روش تحلیل همبستگی با استفاده از رگرسیون ARDL، دریافتند که افزایش عمق مالی موجب افزایش رشد اقتصادی در بلندمدت گشته و همچنین تعمیق مالی به صورت آنی موجب افزایش رشد اقتصادی می‌گردد.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان تاثیر توسعه بازار پول و سرمایه بر رشد ارزش افزوده بخش صنعت ایران با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی، با داده‌های دوره ۱۳۶۹ الی ۱۳۹۲، دریافتند که توسعه بازار پول و سرمایه بر رشد ارزش افزوده بخش صنعت ایران، تاثیر مثبت و معنادار داشته است.

مکیان و ایزدی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی، با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده دریافتند که توسعه نظام بانکی موجب افزایش رشد اقتصادی شده است.

زروکی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها کاربرد رده‌بندی تلفیقی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی، دریافتند که همسویی درجه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران است به نحوی که همراه با کاهش درجه توسعه مالی در بخش بانکی، رشد اقتصادی استانی نیز کاهش نشان می‌دهد.

ورهرامی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه بین رشد اقتصاد، توسعه بخش بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی با روش Panel VAR؛ مطالعه موردی کشورهای گروه D۸، با داده‌های سری زمانی ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۳، دریافتند که میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

منصف و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه دی هشت: علیت گرنجر پانلی با رویکرد بوت استرپ (۱۹۹۰-۲۰۱۰)، به بررسی جهت علیت شاخص‌های بازارهای مالی و رشد اقتصادی پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که توسعه مالی شاخص اعتبارات بخش بانکی در همه کشورها به غیر از پاکستان، منجر به رشد اقتصادی شده است. طیب‌نیا و صفایی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی مقایسه‌ای از توسعه بازار پول و رشد اقتصادی در کشورهای گروه ECO,OECD، با روش تحلیل همبستگی با استفاده از رگرسیون، دریافتند که تاثیر معنادار بر رشد اقتصادی بوده و رابطه میان تعمیق مالی و رشد اقتصادی منفی بوده که ناشی از اثر منفی نقدینگی، پایه پولی و تورم بر رشد اقتصادی است.

پیشینه خارجی

اولچن ۱ (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه میان میان‌بانکداری، تورم و رشد اقتصادی در ترکیه، با روش مونت کارلو و داده‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ پرداخت. وی دریافت که علی‌رغم وجود وابستگی پایدار میان سه متغیر مورد مطالعه، نرخ تورم بالا، منجر به تغییر محسوسی در توسعه پولی از حیث سودآوری نگشته است.

مارشال و توبی ۲ (۲۰۲۳) با مطالعه‌ی سازوکار توسعه پولی از منظر تسهیلات‌دهی در اقتصاد نیجریه با روش خودرگرسیون برداری و داده‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸، دریافتند که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، رابطه میان تسهیلات بانکی و رشد اقتصادی مثبت بوده است.

ایکپسو (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان اعتبارات بخش بانکی، تورم و رشد در کشورهای بیابانی آفریقایی، با روش تحلیل همبستگی با رگرسیون PVECM و داده‌های سری زمانی ۳۵ کشور در بازه ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۶، دریافت که رشد اعتبارات اعطایی بخش بانکی بر تورم اثر مثبت و بر رشد اقتصادی، اثر منفی داشته است.

محزبی و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان توسعه بخش بانکی و رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه: یک تحلیل علیت گرنجر پانل بوت استرپ، با استفاده از داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۲، دریافتند که اولاً، هیچ یک از شاخص‌های توسعه بخش بانکی باعث رشد اقتصادی در ۲۳ کشور نشده است و توسعه بخش‌های بانکی در کشورهای بهتر به چندین متغیر واقعی مانند چارچوب قانونی، باز بودن تجارت، یکپارچگی مالی، سرمایه انسانی و سیاست‌های کلان اقتصادی مانند تورم و کسری بودجه بستگی دارد.

نقش پور و دیویس (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان اثر توسعه بانکداری تجاری بر رشد اقتصادی: یک تحلیل نظام‌مند عاملی بر رابطه صنعت بانکداری و رشد اقتصادی در شرق اروپا، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳ کشور در سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۵ با روش تحلیل همبستگی با رگرسیون PCR، به بررسی اثر ۲۲ متغیر توسعه نظام بانکی بر رشد اقتصادی پرداختند. آنها دریافتند که میان توسعه بانک‌های تجاری و رشد اقتصادی، رابطه معنادار وجود داشته و سیاست‌های توسعه نظام بانکی، موجب افزایش دسترسی به خدمات مالی می‌گردد.

1 Ölçen

2 Marshal & Toby

ابوشربه (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان اثر توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی: تحلیل موردی بر اقتصاد فلسطین، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ با روش تحلیل همبستگی با OLS، دریافت که میان اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی رابطه مثبت است.

ابوبکر و موسی‌گانی (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی: نگاهی دیگر بر شواهدی از نیجریه، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۰ و روش تحلیل همبستگی با VECM، دریافتند که بدهی‌های نقدینگی بانک‌های تجاری در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته و در مقابل اعتبارات به بخش خصوصی و نرخ بهره تأثیر منفی معناداری دارند.

حکیم (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان توسعه بانکداری، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای بیابانی آفریقا، با استفاده از داده‌های ترکیبی و روش تحلیل همبستگی، دریافت که میان توسعه پولی و رشد اقتصادی بدلیل دوره بلندمدت رکودی یا عدم توسعه مالی، رابطه معنادار وجود ندارد.

داو و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی مرحله‌ای توسعه بانکی در اقتصادهای در حال اصلاح، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، دریافتند که در کشورهای در حال اصلاح ساختار اقتصادی، توسعه مالی موجب افزایش رشد اقتصادی شده است.

بنابراین، می‌توان اینطور بیان نمود که مبانی نظری پژوهش حاضر، توسعه بازارهای مالی را موتور محرک رشد اقتصادی می‌داند و دو دیدگاه منفعلانه (نظام مالی صرفاً واسط انتقال سرمایه است) و فعالانه (نظام مالی بر کیفیت و کمیت خدمات مالی و رشد اقتصادی موثر است). از سوی دیگر، در حوزه‌ی پیشینه‌ی تجربی، مطالعات در سه دسته قابل تفکیک هستند:

۱. رابطه توسعه پولی و رشد اقتصادی: مطالعاتی مانند شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) و ابوبکر و موسی‌گانی (۲۰۱۳) اثر مثبت، و پژوهش‌هایی مانند ورهرامی و همکاران (۱۳۹۴) و محزبی و همکاران (۲۰۱۹) اثر منفی یا خنثی را گزارش نموده‌اند.
۲. رابطه توسعه پولی و تورم: مطالعه ریحانی‌محب‌سراج و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد توسعه مالی، اثربخشی سیاست‌های پولی ضد تورمی را تضعیف می‌کند.
۳. رابطه هم‌زمان با هر دو متغیر: منفرد و همکاران (۱۴۰۰) و ایکپسو (۲۰۲۱) به ترتیب در ایران و کشورهای آفریقایی، اثرات متضادی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت شناسایی کرده‌اند. علی‌رغم گستردگی پیشینه، سه شکاف اصلی قابل‌شناسایی است:

۱. عدم تبیین علل ناهمگونی نتایج در ایران.
 ۲. فقدان رویکرد ترکیبی برای تحلیل هم‌زمان اثر و علل ساختاری توسعه پولی بر تورم و رشد اقتصادی.
 ۳. نادیده‌گرفتن نقش سیاست تأسیس بانک‌های خصوصی (۱۳۷۹).
- ارزش افزوده این تحقیق در پرکردن این شکاف‌ها از طریق نوآوری‌های زیر است:
۱. اولین مطالعه ترکیبی در این حوزه که با استراتژی تبیینی متوالی، نه‌تنها رابطه آماری را می‌سنجد، بلکه با فراترکیب، علل ریشه‌ای اثر نامطلوب توسعه پولی در ایران را شناسایی می‌کند.
 ۲. کشف سازوکارهای ویژه ایران مانند رقابت مخرب بانک‌های خصوصی و خلق پول بی‌رویه در پیشینه جهانی مغفول مانده‌اند.
 ۳. تأکید بر ناهمخوانی یافته‌ها با نظریه شومپتر (۱۹۱۲) در شرایط ایران و ارائه تبیینی سیاست‌محور برای آن.
- بدین ترتیب، این پژوهش با پیوند دادن یافته‌های کمی و کیفی، چارچوبی نوین برای بازتعریف سیاست‌های پولی در اقتصادهای مشابه ارائه می‌دهد. در ادامه، به تشریح روش‌شناسی مطالعه حاضر مبادرت می‌شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از نظر روش، ترکیبی (با ادعای دانشی عمل‌گرا) از نوع تبیینی متوالی است. پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی، ضمن توسعه و بهبود مفاهیم ادبیات و روش‌های یک حوزه خاص، جهت تعیین راهبرد و تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵). ادعای دانشی عمل‌گرا به‌صورت اساسی مسئله محور بوده و پژوهشگر را در انتخاب استراتژی و روش آزاد می‌گذارد که موجب فرارگیری رویکرد ترکیبی در شناخت‌شناسی مذکور است (کرسول، ۱۳۹۶). پژوهش دارای رویکرد ترکیبی، به ترکیب رهیافت‌های کیفی و کمی به‌صورت متوالی یا هم‌زمان، می‌پردازد (جانسون و انوگبوزی، ۲۰۰۴). فرایند استراتژی تبیینی متوالی، شامل گردآوری و تحلیل اولیه نتایج داده‌های کمی در مرحله اول و سپس گردآوری و تحلیل نتایج داده‌های کیفی

1 Creswell

2 Johnson & Onwuegbuzie

منطبق بر نتایج مرحله کمی، در مرحله دوم است که در نهایت نتایج مرحله‌های کمی و کیفی مورد تفسیر قرار می‌گیرند (کرسول، ۱۳۹۶). بهره‌مندی از استراتژی مذکور در مطالعه حاضر، موجب تعمیق و تدقیق مطالعه گشته و علاوه بر این موجب تفسیر موشکافانه یک پدیده می‌گردد (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر، ابتدا به تحلیل همبستگی میان متغیرهای پژوهش پرداخته و نتایج آن مطابق با روش فراترکیب، مورد تفسیر قرار خواهد گرفت.

توصیف داده‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر، مطابق اهداف پژوهش، در مرحله کمی، شامل نرخ‌های رشد اقتصادی، تورم و شاخص سنجش توسعه پولی بوده و در مرحله کیفی، شامل تمام مطالعات و اسناد حوزه سیاست توسعه پولی و تأسیس بانک‌های خصوصی بوده است. نمونه پژوهش حاضر با توجه دسترسی و قابلیت اتکا مورد انتخاب قرار گرفته است. مطابق اهداف پژوهش، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه در مطالعه حاضر، در مرحله کمی، شامل نرخ‌های تورم، رشد اقتصادی و شاخص سنجش توسعه پولی احصا شده در طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۱ بوده و در مرحله کیفی، شامل ۱۳۰ سند، مقاله و گزارش بوده است. اطلاعات نمونه مرحله کمی، شامل منبع روایی و منبع استخراج داده در جدول ۱. منابع و استخراج داده متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱. منابع و استخراج داده متغیرهای پژوهش

منبع استخراج داده و بازه زمانی	منبع روایی	فرمول محاسبه	نحوه محاسبه	عنوان متغیر و نماد آن در مرحله کمی	نوع متغیر
بانک مرکزی جمهوری اسلامی	طیب‌نیا و صفایی، ۱۳۸۷؛ فلیجی	$\left(\frac{GDP_t - GDP_{t-1}}{GDP_{t-1}} \right)$	تغییرات تولید ناخالص داخلی	نرخ رشد اقتصادی (GDP)	وابسته

ایران و بانک جهانی	و بخارایی، ۱۳۹۶؛				
۱۳۸۰ الی ۱۴۰۱	جنتی‌مشکانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حسینی‌دوست و همکاران، ۱۴۰۲	$\left(\frac{CPI_t - CPI_{t-1}}{CPI_{t-1}} \right)$	تغییرات شاخص قیمتی مصرف‌کننده	نرخ تورم (INF)	
	شاه‌آبادی و فعلی، ۱۳۹۰؛ منصف و همکاران، ۱۳۹۲؛ شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ فلیحی و بخارایی، ۱۳۹۶	$\left(\frac{M_2}{GDP_t} \right)$	نسبت نقدینگی بر تولید ناخالص داخلی	توسعه پولی ۱ (MD)	مستقل
	حسینی‌دوست و همکاران، ۱۴۰۲			نرخ دلار غیررسمی (Dollar)	کنترل

	فلیحی و بخارایی، ۱۳۹۶			نیروی کار (L)	
	حسینی دوست و همکاران، ۱۴۰۲			قیمت نفت (Oil)	
	تقی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰			سپرده قانونی بانک‌ها (IRR)	

منبع: یافته‌های پژوهش

استراتژی و فرایند انجام پژوهش

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و ابزار آن، در مرحله کمی در قالب آمار توصیفی، تحلیل همبستگی با ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل همبستگی با رگرسیون خود توضیح با وقفه‌های توزیعی^۱ با هدف تبیین چگونگی رابطه میان توسعه پولی با وضعیت اقتصادی صورت پذیرفته و در مرحله کیفی، از روش فراترکیب جهت تبیین آسیب‌ها استفاده شده است. آمار توصیفی به تحلیل ویژگی‌های مختلف داده‌ها با استفاده از شاخص‌هایی مانند پراکندگی می‌پردازد. رگرسیون ARDL توسط پسران و شین^۲ (۱۹۹۵) به‌عنوان جایگزینی برای روش حداقل مربعات معمولی^۳ پیشنهاد شد. این روش دو مزیت کلیدی دارد:

۱. عدم نیاز به پیش‌فرض مانایی داده‌ها در سطح.
۲. ارائه تخمین‌های بی‌طرفانه و پایدار.

1 Autoregressive Distributed Lag (ARDL)

2 Shin & Pesaran

3 Ordinary Least Squares

جهت برآورد رگرسیون مذکور به صورت قابل‌اتکا، باید از فروض کلاسیک و ثبات ضرایب اطمینان حاصل شود (نوفرستی، ۱۴۰۰). این رگرسیون دارای سه معادله مجزا جهت برآورد آثار کوتاه‌مدت، آنی و بلندمدت میان متغیرهای مورد پژوهش است که در معادلات ۱، ۲ و ۳ نمایش داده شده است.

$$GDP = C(1) + C(2) * GDP_{t-1} + C(3) * MD_t + C(4) * MD_{t-1} + C(5) * INF_t + C(6) * INF_{t-1} + C(7) * Dollar_t + C(8) * Dollar_{t-1} + C(9) * L_t + C(10) * L_{t-1} + C(11) * OIL_t + C(12) * IRR_t + C(13) * IRR_{t-1} \quad (1)$$

$$GDP = C(1) + C(2) * D(MD) + C(3) * D(INF) + C(4) * D(Dollar) + C(5) * D(L) + C(6) * D(IRR) + C(7) * CointEq_{t-1} \quad (2)$$

$$GDP = C(1) * MD + C(2) * INF + C(3) * Dollar + C(4) * L + C(5) * OIL + C(7) * IRR \quad (3)$$

در مرحله کیفی، از روش فراترکیب استفاده خواهد شد. فراترکیب، به‌عنوان یکی از روش‌های فرامطالعه، به ترکیب و تفسیر یافته‌های مطالعات کیفی صورت‌گرفته در حوزه خاص می‌پردازد و با استفاده از تحلیل نظام‌مند مطالعات پیشین، به توسعه ادبیات آن می‌پردازد (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). ساندولوفسکی و باروسو (۲۰۰۷) جهت اجرای روش فراترکیب، پیشنهاد می‌کنند که با تحلیل محتوا و طبقه‌بندی مطالب، یافته‌ها استخراج گشته و با استفاده از شاخص کاپا، پایایی یافته‌ها تأیید می‌گردد. آنها روشی هفت‌مرحله‌ای جهت پیاده‌سازی فراترکیب بیان نموده‌اند که در شکل ۱.

مراحل هفت‌گانه شیوه فراترکیب

منبع: آزادیان و همکاران، ۱۳۹۹ نمایش داده شده است.



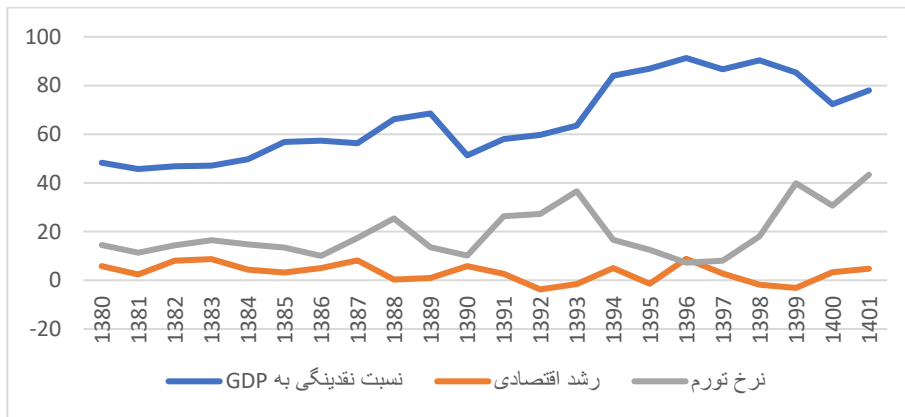
شکل ۱. مراحل هفت گانه شیوه فراترکیب

منبع: آزادیان و همکاران، ۱۳۹۹

یافته ها

مرحله کمی

آمار توصیفی



شکل ۲. مقایسه متغیرهای پژوهش

منبع: یافته های پژوهش

در جدول ۲. نتایج آمار توصیفی، مقادیر مربوط به آمار توصیفی هر یک از متغیرهای مدل در ایران، گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی

عنوان	نرخ رشد اقتصادی	نرخ تورم	توسعه پولی
میانگین	۳/۱	۱۹/۴۳	۶۵/۹۱
میانه	۳/۲۶	۱۵/۶۱	۶۱/۶۳
انحراف معیار	۳/۸	۱۰/۴۴	۱۵/۸۵
چولگی	-۰/۲۲	۱/۰۶	۰/۳۴
کشیدگی	-۰/۸۷	۰/۱۳	-۱/۳۹
حداکثر	۸/۸۱	۴۳/۳۸	۹۱/۳
حداقل	-۳/۷۴	۷/۲۴	۴۵/۶۸

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول ۲. نتایج آمار توصیفی، بیشترین مقدار میانگین، متعلق به توسعه پولی بوده است و میانگین سالانه نرخ تورم، حدود شش برابر نرخ رشد اقتصادی بوده است. شاخص چولگی بیانگر برای نرخ رشد اقتصادی بیانگر تمرکز فراوانی داده در مقادیر کوچک و صفر است و برای نرخ تورم و توسعه پولی دارای بیانگر تمرکز فراوانی داده‌های آنها به مقادیر بزرگ و خلاف صفر است. کمترین مقدار کشیدگی، متعلق به نرخ تورم بوده و به استناد شباهت منحنی فراوانی نرخ تورم با نرمال استاندارد، نرخ تورم از ثبات نسبی برخوردار بوده است. جهت سنجش نوع داده‌ها از منظر پارامتریک و ناپارامتریک بودن آنها، از آزمون کولمگروف-اسمیرنوف استفاده شده است و نتایج آن در جدول ۳. نتایج آزمون کولمگروف-اسمیرنوف گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون کولمگروف-اسمیرنوف

عنوان	نرخ رشد اقتصادی	نرخ تورم	توسعه پولی
آماره	۰/۲	۰/۱۱	۰/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول ۳. نتایج آزمون کولمگروف-اسمیرنوف، در سطح اطمینان ۹۰ درصد، آماره هیچکدام از متغیرها معنادار نبوده و بدین ترتیب، از آزمون پیرسون ۱ استفاده شده و نتایج آن در جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پس از توسعه پولی، گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پس از توسعه پولی

عنوان	نرخ رشد اقتصادی	نرخ تورم
توسعه پولی (آماره)	-۰/۳۵ (۰/۱)	۰/۱۷ (۰/۴۴)

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پس از توسعه پولی، در سطح اطمینان ۹۰ درصد، رابطه میان نرخ رشد اقتصادی و توسعه پولی معنادار و منفی بدست آمده است. جهت برجسته‌تر نمودن مبحث توسعه پولی در ایران، از سنجش رابطه همبستگی با داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۹ که مربوط به پیش از اعمال سیاست است، استفاده گردید و در جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پیش از توسعه پولی گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پیش از توسعه پولی

عنوان	نرخ رشد اقتصادی	نرخ تورم
توسعه پولی (آماره)	-۰/۲۹ (۰/۱۶)	-۰/۳۱ (۰/۱۴)

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پیش از توسعه پولی، در سطح اطمینان ۹۰ درصد، رابطه معنادار میان متغیرهای پژوهش وجود نداشته است. ضریب همبستگی برای رابطه میان توسعه پولی و نرخ رشد اقتصادی، پیش از توسعه پولی در ایران مطابق جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون پیش از توسعه پولی، نسبت به بعد از آن در جدول ۴. نتایج آزمون

1 Pearson

همبستگی پیرسون پس از توسعه پولی، از نظر مقداری کاهش یافته است که بیانگر اثر نامطلوب توسعه پولی در ایران است.

ایران جزو کشورهای منطقه غرب آسیا است و تحولات منطقه‌ای بر ایران و سایر کشورهای منطقه اثرگذار بوده و کشورهای منطقه از شرایط زمینه‌ای فرهنگی و اقتصادی مشابه برخوردار هستند که امکان مقایسه وضعیت روابط میان متغیرهای مورد مطالعه در آنها، جهت تدقیق آثار موضوع پژوهش در ایران را فراهم نموده است. نتایج آزمون همبستگی بیانگر آن بود که در سطح اطمینان ۹۰ درصد، رابطه میان توسعه پولی و رشد اقتصادی، تنها در کرانه باختری و غزه معنادار نبوده و رابطه میان توسعه پولی و تورم، تنها در کشورهای قطر، اردن و تونس معنادار بوده است. رابطه میان توسعه پولی و رشد اقتصادی در کشورهای غرب آسیا، به صورت عمده، منفی بوده و رابطه میان توسعه پولی و تورم، در کشورهای اردن و تونس نیز همانند ایران، مثبت بوده است. به دلیل محدودیت در نگارش، از گزارش کامل این موارد، صرف نظر شده است.

آمار استنباطی

پیش فرض استفاده از مدل رگرسیون ARDL، عدم مانایی متغیر وابسته در سطح و مانا شدن آن در سطح تفاضلی اول یا دوم است. نتایج حاصل از بررسی آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته ۱ جهت سنجش پیش فرض مذکور، در جدول ۶. تایج آزمون مانایی متغیر وابسته گزارش شده است.

جدول ۶. تایج آزمون مانایی متغیر وابسته

عنوان	طبقه مورد سنجش	نرخ رشد اقتصادی
نرخ رشد اقتصادی	سطح	۰/۰۱۱
	تفاضل مرتبه اول	۰/۰۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق

1 Augmented Dickey-Fuller

جدول ۶. نتایج آزمون مانایی متغیر وابسته، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، متغیر نرخ رشد اقتصادی در سطح مانا نبوده و با یکبار تفاضل گیری مانا می گردد و بدین ترتیب، برآورد مدل رگرسیونی ARDL ممکن است. جهت استخراج یک مدل قابل اتکا باید فروض کلاسیک و ثبات ضرایب بررسی گردد که نتایج آن در

جدول ۷. نتایج سنجش فروض کلاسیک و شکل ۳ گزارش شده است.

جدول ۷. نتایج سنجش فروض کلاسیک

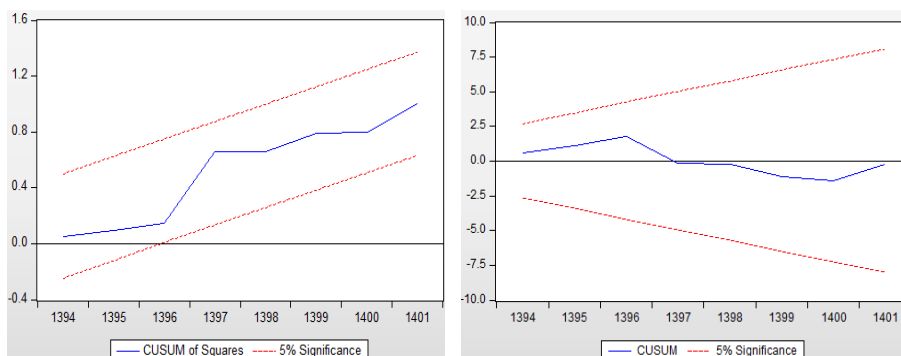
نرخ رشد اقتصادی	عنوان
۰/۸۸	فرض ناهمسانی واریانس (آزمون آرچ ^۱)
۰/۱۸	فرض خودهمبستگی (آزمون براش - گادفری ^۲)
۰/۵۱	فرض نرمال بودن توزیع خطاها (آماره جارک - برا ^۳)

1 ARCH

2 Breusch-Godfrey

3 Jarque-Bera

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۳. آزمون‌های شکست ساختاری کاسم و مجذور کاسم

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از

جدول ۷. نتایج سنجش فروض کلاسیک و شکل ۳، امکان برآورد الگوی کوتاه‌مدت میسر

گردیده و در

جدول ۸. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت و

جدول ۹. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت ۲ گزارش شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت

عنوان متغیر	ضریب	آماره معناداری
GDP(-1)	-۰/۵۵	۰/۰
MD	۰/۲	۰/۰۱۲
MD(-1)	-۰/۶۶	۰/۰
INF	-۰/۳۹	۰/۰
INF(-1)	-۰/۱	۰/۰۹
Dollar	۰/۰۰۰۱	۰/۰

۰/۰	۰/۰۰۰۱	Dollar(-1)
۰/۰	-۰/۰۰۰۰۰۳	L
۰/۰	۰/۰۰۰۰۰۵	L(-1)
۰/۰	-۰/۲	OIL
۰/۰	-۱۷۴/۱۵	IRR
۰/۰۳	۱/۶۷	IRR(-1)
۰/۰۵۹	۲۰/۶۸	C

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۹. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت ۲

عنوان	مقدار یا آماره	عنوان	مقدار یا آماره
R-squared	۰/۹۶	Mean dependent var	۲/۹۷
Adjusted R-squared	۰/۹۱	S.D. dependent var	۳/۸۵
S.E. of regression	۱/۱۵	Akaike info criterion	۳/۴
Sum squared resid	۱۰/۶۹	Schwarz criterion	۴/۰۴
Log likelihood	-۲۲/۷۱	Hannan-Quinn criter	۳/۵۴
F-statistic	۱۷/۸۱	Durbin-Watson stat	۲/۵۴
Prob(F-statistic)	۰,۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج

جدول ۸. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت و

جدول ۹. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت ۲، می‌توان بین نمودار:

۱. آماره اف در سطح ۹۹٪ معنادار است که دال بر معناداری کلی مدل است.

۲. ضریب تعیین تعدیل‌شده (۹۱٪) حاکی از توانایی بالای متغیرهای مستقل در تبیین تغییرات رشد اقتصادی است.
۳. از میان متغیرهای الگوی موردپژوهش، تمام متغیرهای مدل پژوهش در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار بوده است.
- مطابق نتایج یک واحد افزایش در نرخ رشد اقتصادی سال گذشته، موجب کاهش ۰٫۵۵ درصدی نرخ رشد اقتصادی سال جاری می‌شود و یک واحد افزایش در متغیر توسعه پولی، موجب افزایش ۲۰ درصد در سال جاری و کاهش ۶۶ درصد در سال بعد می‌گردد. بدین معنا که توسعه پولی، در کوتاه‌مدت موجب افزایش نرخ رشد اقتصادی شده، اما اثرات آن به طور کامل خنثی شده و حتی ۴۶ درصد به‌صورت مازاد، موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی شده است.
- همچنین نتایج بیانگر آن است که بزرگ‌ترین ضریب اثرگذار، متعلق به یکی دیگر از متغیرهای حوزه بازار پول بوده است. متغیر سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی که بیانگر میزان دریافت سپرده توسط بانک‌ها و به نسبت آن، سپرده‌گذاری بخشی از آن نزد بانک مرکزی است، با یک واحد افزایش، موجب کاهش ۱۷۴ درصدی در سال جاری و افزایش تنها ۶۷ درصدی در سال آتی می‌گردد. علاوه بر این، قابل توجه است که عرض از مبدا در الگوی مورد پژوهش برابر با حدود ۲۰ درصد بوده که بیانگر آن است که نرخ رشد اقتصادی ایران در کوتاه‌مدت، فارغ از سایر متغیرها، به‌صورت مستقل برابر با ۲۰ درصد بوده است که شاید به‌صورت مستقیم، منتج از عواملی غیرپولی باشد.
- از آزمون باند - اف ۱ جهت بررسی امکان بهره‌مندی از الگوی روابط بلندمدت برای رگرسیون پژوهش، استفاده می‌شود و نتایج آن در جدول ۶. نتایج آزمون باند-اف گزارش شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون باند-اف

باند پایین	باند بالا	سطح معناداری	مقدار یا آماره
۴/۲۷	۶/۲۱	۱٪	۳۹/۳۹

منبع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج

جدول ۶. نتایج آزمون باند-اف، مقدار آماره اف حاصل از باند بالا بزرگتر بوده و در نتیجه امکان برآورد الگوی بلندمدت وجود داشته و در جدول ۷. نتایج برآورد الگوی بلندمدت گزارش داده شده است.

جدول ۷. نتایج برآورد الگوی بلندمدت

عنوان متغیر	ضریب	آماره معناداری
MD	-۰/۲۹	۰/۰
INF	-۰/۳۲	۰/۰
Dollar	-۰/۰۰۰۰۱	۰/۲۳
L	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰
OIL	-۰/۱۲۹	۰/۰
IRR	-۶۸/۸۲	۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق نتایج جدول ۷. نتایج برآورد الگوی بلندمدت، افزایش یک واحدی توسعه پولی در بلندمدت، موجب کاهش ۲۹ درصدی نرخ رشد اقتصادی می‌گردد. علاوه بر این، سپرده بانک‌ها به عنوان بزرگترین ضریب الگوی بلندمدت که به نوعی بیانگر توسعه پولی از حیث جذب سپرده است، برابر با حدود منفی ۶۸ درصد بدست آمده که بیانگر آن است که با افزایش یک واحدی در متغیر مذکور، حدود ۶۸ درصد نرخ رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. بنابراین، حوزه پولی بیش از سایر متغیرهای الگوی پژوهش، موجب کاهش آن شده است.

بررسی رابطه تصحیح خطای مدل در

جدول ۸. نتایج برآورد الگوی رابطه تصحیح خطا گزارش شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد الگوی رابطه تصحیح خطا

عنوان متغیر	ضریب	آماره معناداری
C	۲۰/۶۸	۰/۰
D(MD)	۰/۲	۰/۰
D(INF)	-۰/۳۹	۰/۰
D(Dollar)	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰
D(L)	-۰/۰۰۰۰۰۳	۰/۰

۰/۰	-۱۷۴/۱۵	D(IRR)
۰/۰	-۱/۵۵	CointEq(-1)
۰/۰	آماره F	

منبع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج جدول ۱۲، رابطه تصحیح خطا و ضریب آن در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنادار بوده که بیانگر اصلاح خطاهای تعادل به میزان ۱،۵۵ برابری در هر دوره است. یعنی افزایش یک واحدی توسعه پولی موجب افزایش ۲۰ درصدی نرخ رشد اقتصادی می‌شود. همچنین، می‌توان بیان نمود که همانند روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت، بزرگترین ضریب متعلق به سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی بوده و آثار آن بر نرخ رشد اقتصادی بسیار مشابه رابطه کوتاه‌مدت بوده است. معادلات کوتاه‌مدت، تصحیح خطا و بلندمدت الگوی رگرسیونی پژوهش، به ترتیب در معادلات ۴ الی ۶ نمایش داده شده است.

$$GDP = 20/68 + (-0/55) * GDP_{t-1} + (0.2) * MD_t + (-0/66) * MD_{t-1} + (-0/39) * INF_t + (-0/1) * INF_{t-1} + (0/0001) * Dollar_t + (-0/0001) * Dollar_{t-1} + (-0/000003) * L_t + (0/000005) * L_{t-1} + (-0/2) * OIL_t + (-174/15) * IRR_t + (67/1) * IRR_{t-1} \quad (۴)$$

$$GDP = 20/68 + (0/2) * D(MD) + (-0/39) * D(INF) + (0/0001) * D(Dollar) + (-0/000003) * D(L) + (-174/15) * D(IRR) + (-0/155) * CointEq_{t-1} \quad (۵)$$

$$GDP = (-0/29) * MD + (-0/32) * INF + (0/00001) * Dollar + (0/000001) * L + (-0/129) * OIL + (-68/82) * IRR \quad (۶)$$

مطابق معادلات ۴ تا ۶، یافته‌های به ظاهر متناقض درباره اثر توسعه پولی (مثبت در کوتاه‌مدت و منفی در بلندمدت)، در واقع بازتاب دوگانگی ذاتی سیاست‌های انبساط پولی است:

۱. مثبت در کوتاه‌مدت: تزریق نقدینگی منجر به تحریک تقاضا شده که رشد موقت اقتصادی را موجب می‌شود.
۲. منفی در بلندمدت: تورم ساختاری منجر به کاهش قدرت خرید بلندمدت گشته که رشد بلند اقتصادی را کاهش می‌دهد.

مرحله کیفی

مطابق راهبرد ساندلوسکی و باروسو، سؤال پژوهش حاضر در روش فراترکیب، عبارت شد از:
 علل اثر نامطلوب توسعه پولی با سیاست تأسیس بانک‌های خصوصی در تحقق رشد اقتصادی و
 مهار تورم در ایران چیست؟

کلیدواژه‌های مورد جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی، جهت مرور نظام‌مند اسناد و ادبیات، در
 جدول ۹. کلیدواژه‌های مورد جستجو و
 جدول ۱۰. پایگاه‌های اطلاعاتی مورد جستجو گزارش شده است.

جدول ۹. کلیدواژه‌های مورد جستجو

رابطه بانک و رشد اقتصادی		رابطه بانک و تورم	
معادل انگلیسی	معادل فارسی	معادل انگلیسی	معادل فارسی
Private bank and economic growth	بانک خصوصی و رشد اقتصادی	Private bank and inflation	بانک خصوصی و تورم
Money creation and economic growth	خلق پول و رشد اقتصادی	Money creation and inflation	خلق پول و تورم
Banking and economic growth	بانکداری و رشد اقتصادی	Banking and inflation	بانکداری و تورم
Loan / facilities and economic growth	وام / تسهیلات و رشد اقتصادی	Loan / facilities and inflation	وام / تسهیلات و تورم
Monetary development and economic growth	توسعه پولی و رشد اقتصادی	Monetary development and inflation	توسعه پولی و تورم

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۰. پایگاه‌های اطلاعاتی مورد جستجو

داخلی	خارجی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)	Science Direct (Elsevier)
پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)	Emerald
پایگاه استنادی جهان اسلامی (ISC)	Google Scholar
بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)	Springer
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (ihcs)	Proquest
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	

منبع: یافته‌های پژوهش

معیارهای ورود منابع یافت شده جهت پالایش، شامل دسترسی به اصل محتوا، تطابق محتوا، تطابق عنوان و تطابق چکیده بوده است. معیار خروج منابع از فرایند پالایش، شامل عدم برخورداری کیفیت علمی لازم، الگوی روش‌شناختی نامشهود و عدم انسجام درونی میان اهداف و یافته‌ها بوده است. پس از بررسی، حدود ۱۱۸ مطالعه، شامل ۹۷ مطالعه داخلی و ۲۱ مطالعه خارجی انتخاب گردیده و در

جدول ۱۱. عوامل موثر بر رابطه میان توسعه پولی و تحقق مهار تورم و رشد اقتصادی، به‌صورت خلاصه مورد ارائه قرار گرفت.

جدول ۱۱. عوامل موثر بر رابطه میان توسعه پولی و تحقق مهار تورم و رشد اقتصادی

عوامل یافت شده	کشور/سال	نام محقق	کد
افزایش دامنه فعالیت بانک‌های خصوصی - فعالیت سفته‌بازی بانک‌های خصوصی - ...	ایران/۱۴۰۰	مؤمنی و همکاران	۱
.	.	.	.
.	.	.	.
.	.	.	.

۱۱۸	اویانگ و راجان ۱	ژاپن/۲۰۱۹	عدم توجه به وضعیت پولی جهان در تعیین نرخ بهره بانکی ...
-----	---------------------	-----------	---

منبع: یافته‌های پژوهش

کدگذاری، ترکیب و گروه‌بندی یافته‌ها مطابق روش فراترکیب، دسته‌بندی یافته‌ها به صورت خلاصه، در

جدول ۱۲. **علل عدم بهبود اقتصادی با توسعه پولی در ایران** نمایش داده شده است. منظور از مضمون غیرسیستمی، مجموع مضامین سازمان‌دهنده‌ای که به صورت مستقیم تحت کنترل نظام پولی نیستند و منظور از مضمون سیستمی، مجموع مضامین سازمان‌دهنده‌ای بوده که امکان اعمال اراده توسط نظام پولی بر آنها به صورت مستقیم وجود دارد.

جدول ۱۲. **علل عدم بهبود اقتصادی با توسعه پولی در ایران**

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
نبود یا ضعف در هدف‌گذاری تورمی و نرخ ارز	سیاست‌گذاری	سیستمی
عدم وجود نرخ سود متعادل غیردستوری		
عدم نظارت مؤثر بانک مرکزی		
عدم نظارت بر مصارف تسهیلات بانکی		
عدم توسعه بازار سرمایه		
عدم تفویض اختیار در مدیریت به صورت مناسب به بانک‌های خصوصی		
عدم آزادسازی مالی مناسب		
عدم ارتقای کیفی کارکنان نظام بانکی		
ضعف در اجرای سیاست خصوصی‌سازی بانک‌ها		
تسهیلات تکلیفی		
پایین بودن میزان تسهیلات دریافتی بخش خصوصی		
رقابت مخرب بانک‌ها		

نفوذ بانک‌ها در بازار مسکن	قوانین و مقررات	غیرسیستمی
عدم ارتقای فرایند اعطای تسهیلات		
تسهیلات‌دهی بانک‌های خصوصی به زیرمجموعه‌های خود		
بالا بودن یا افزایش نرخ سود بانکی	نهاد	
هدایت و تخصیص اعتبارات به سمت فعالیت‌های غیرمولد		
عدم هدایت اعتبار مناسب بانک‌ها		
عدم تخصیص بهینه منابع توسط بانک‌ها و دولت		
ضعف کارایی مدیریت بانک‌های خصوصی		
خلق پول بی‌رویه بانک‌ها		
اولویت در پرداخت تسهیلات به بخش خدمات و بازرگانی		
افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها		
اضافه برداشت بانک‌ها		
عدم انضباط پولی و مالی بانک‌ها		
مشکلات جذب سرمایه خارجی در نظام بانکی	ساختاری	
کسری بودجه		
عدم ثبات اقتصادی		
افزایش نرخ ارز		
ضعف فناوری بانک‌ها		
عدم نوآوری پولی و مالی	ابزار	

منبع: یافته‌های پژوهش

جهت سنجش پایایی الگوی حاصل در

جدول ۱۲. **علل عدم بهبود اقتصادی با توسعه پولی در ایران**، شاخص کاپا مورد محاسبه قرار گرفته و برابر با ۸۲ درصد بدست آمد که بیانگر سطح عالی توافق و پایایی بوده است. بیشترین مواردی که در نتایج کیفی مطالعات پیشین ذکر شده است، بیان شده و در قالب ۵ سطح نظام پولی شامل ساختار، سیاست‌گذاری، قوانین و مقررات، نهاد و ابزار طبقه‌بندی شده است. گفتنی است که خلق پول بی‌رویه، ضعف در اجرای سیاست خصوصی‌سازی بانک‌ها، افزایش مطالبات غیرجاری و رقابت مخرب آنها، از جمله مهمترین علل رابطه اثرگذاری نامطلوب توسعه پولی بر تورم و رشد اقتصادی در ایران بوده است.

بنابراین، در ایران، بر خلاف سایر کشورهای غرب آسیا، توسعه پولی موجب ایجاد تورم شده است و اثر توسعه پولی بر رشد اقتصادی در ایران، تا حدودی مشابه کشورهای غرب آسیا، منفی یا خنثی بوده است که می‌تواند ریشه در خلق پول بی‌رویه، ضعف در اجرای سیاست خصوصی‌سازی بانک‌ها، افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها و رقابت مخرب آنها داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش، تضاد پارادایمی میان ادبیات غالب توسعه مالی و واقعیت ایران را آشکار می‌سازد. سیاست توسعه پولی با تأسیس بانک‌های تجاری دارای ضعف‌های بسیار بوده و موجب افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی در ایران شده است. درحالی‌که مطالعاتی مانند شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) و نقش‌پور و دیویس (۲۰۱۸) بر رابطه مثبت توسعه بانکی و رشد تأکید دارند، نتایج نه‌تنها این رابطه را در بلندمدت منفی نشان می‌دهد، بلکه سازوکارهای معکوس آن را شناسایی می‌کند. درحالی‌که شومپیتر توسعه مالی را موتور محرک رشد می‌پنداشت، نتایج نشان می‌دهد که تأسیس بانک‌های خصوصی پس از ۱۳۷۹ با سه سازوکار مخرب، خلاف جهت این نظریه عمل کرده است:

۱. خلق پول بی‌رویه و رقابت مخرب بانک‌ها (همسو با ایکپسو (۲۰۲۱)): جذب سپرده‌ها با سودهای غیرواقعی و افزایش تورم.
۲. تأمین مالی غیرمولد و ضعف نظارت (همسو با منفرد و همکاران (۱۴۰۰)): تسهیلات‌دهی به زیرمجموعه‌های بانکی و انحراف منابع بانکی به سمت سفته‌بازی.
۳. عدم هماهنگی بخش پولی و مالی در تأمین مالی تولید (همسو با محزبی و همکاران (۲۰۱۹)): فشار بر منابع بانک و افزایش سلطه مالی به‌واسطه‌ی اثر منفی نرخ دلار و کسری بودجه بر رشد اقتصادی.

این ناکارآمدی‌ها ریشه در شکست نهادی دارد. یعنی اقتصاد ایران فاقد پیش‌نیازهای شومپیتری مانند چارچوب قانونی شفاف، نهادهای نظارتی مستقل و بازار سرمایه توسعه‌یافته بود. در نتیجه، توسعه کمی بانک‌ها بدون پشتوانه‌های نهادی، به‌جای تحریک رشد، به گسترش رانت‌جویی و بی‌ثباتی کلان انجامید. این بسط نظری نشان می‌دهد که شکست سیاست توسعه پولی ایران ریشه در بی‌توجهی به دو اصل کلیدی پیشینه دارد:

۱. شرطیت نهادی (لویس، ۲۰۰۴): اجرای نظریه شومپیتر مستلزم نهادهای نظارتی قوی‌تر از آنچه در ایران موجود است.

۲. غیرخطی بودن رابطه (کینگ و لوین، ۱۹۹۳): توسعه مالی تنها تا آستانه‌ای خاص رشدزا است و عبور از آن اثر معکوس دارد.

بنابراین، یافته‌های این پژوهش نه تنها خلأ روش‌شناختی پیشینه را پر می‌کند، بلکه پاسخ نظری به تناقضات موجود در ادبیات توسعه مالی می‌دهد که توسعه پولی در غیاب نهادهای حامی، از موتور رشد به ترمز رشد تبدیل می‌شود. نتایج با مطالعات محب‌سراج و همکاران (۱۴۰۰)، محزبی و همکاران (۲۰۱۹)، ابوشربه (۲۰۱۷) از حیث رابطه با رشد اقتصادی و مطالعه ایکپسو (۲۰۲۱) از حیث رابطه با تورم و رشد اقتصادی هم‌راستا بوده است و همچنین مطالعه منفرد و همکاران (۱۴۰۰) از حیث رابطه با تورم و مطالعات نقش‌پور و دیویس (۲۰۱۸)، فلیحی و بخارایی (۱۳۹۶)، شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، مکیان و ایزدی (۱۳۹۴)، زروکی و همکاران (۱۳۹۴) از حیث رابطه با رشد اقتصادی، در خلاف جهت بوده است.

عدم دسترسی به خبرگان و یا داده‌های بیشتر از نظام بانکی جهت ایجاد یا استفاده از شاخص‌های بیشتر توسعه پولی، محدودیت اصل پژوهشگر بوده است. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌گردد تا در مطالعات آتی، با استفاده از داده‌های گسترده‌تر و متنوع‌تر، به بررسی رابطه توسعه مالی و متغیرهای کلان اقتصادی مبادرت شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود تا از منظر خبرگانی نیز به شناسایی علل عدم توفیق سیاست توسعه پولی و آثار نامطلوب آن بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته شود. مطابق با علل پیامدهای حاصل در مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌گردد:

۱. طراحی مدل پویای سیاست‌گذاری پولی در حوزه توسعه پولی.
۲. طراحی نهادهای نظارتی مستقل بازار پول جهت بهبود نظارت بر شبکه بانکی.
۳. اصلاح ساختاری بانک‌ها با تمرکز بر جلوگیری از انحراف منابع و خلق پول بی‌رویه.
۴. بهبود هماهنگی بخش پولی و مالی در تأمین مالی تولید و مهار تورم.

منابع

۱. آزادیان، یوسف، داداشی، ایمان، و تقی‌پوریان، یوسف (۱۳۹۹). فاکتورهای مؤثر بر استرس مالی سرمایه‌گذاران حقیقی بورس اوراق بهادار و پیامدهای ناشی از آن: تکنیک فراترکیب. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۴۷، ۱۱۲-۱۳۶.
۲. بخشی‌دستجردی، رسول، و شیخ‌انصاری، مجید (۱۳۹۴). تأثیر بانک‌های تجاری و رشد جمعیت بر تورم بهینه در مدل سیدراسکی برای اقتصاد ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۲(۳)، ۱۱۷-۱۴۰.
۳. پورعجم، پریسا، بخشی‌دستجردی، رسول، و نخلی، سیدرضا (۱۴۰۰). اثرات خلق پول برون‌زا در اقتصاد کلان با در نظر گرفتن بازار بین‌بانکی با بهره‌گیری از روش تعادل عمومی پویا. اقتصاد باثبات و توسعه پایدار، ۱(۲)، ۱-۲۹.
۴. تقی‌زاده، ح.، شریفی‌رنانی، ح.، و قبادی، س. (۱۴۰۰). ارزیابی ثبات مالی در اقتصاد ایران تحت سیاست‌های پولی و کلان‌احتیاطی. راهبرد اقتصادی، ۳۶، ۱۵۱-۱۸۰.
۵. جنتی‌مشکانی، ابوالفضل، اربابیان، شیرین، و خجسته، زینب (۱۳۹۵). تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر ثبات و ریسک بانکی. فصلنامه پژوهش‌های پ۱۳۹۵ ولی - بانکی، ۲۹، ۴۸۷-۵۱۱.
۶. چینی، حبیب (۱۳۳۸). تورم چیست و چگونه می‌توان از آن جلوگیری کرد؟. نشریه‌نامه اتاق بازرگانی، ۸۷، ۳۵-۴۲.
۷. حائمی‌سولگانی، بهرام، شریفی‌رنانی، حسین، و دائی‌کریم‌زاده، سعید (۱۴۰۳). تحلیل اثرات توسعه مالی و سیاست پولی بر رشد اقتصادی از طریق کانال وام‌دهی بانکی. نشریه علمی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۷(۶۴)، ۱۸۴-۱۹۹.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (جلد ۲۱). تهران: سمت.
۹. حسینی‌دوست، سیداحسان، سپهردوست، حمید، جعفری، آتیه، و نصراللهی، رسول (۱۴۰۲). تحلیل غیرخطی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران: شواهدی از رهیافت مارکوف سوئیچینگ. نشریه اقتصادی باثبات، ۱۲، ۳۱-۶۲.
۱۰. دلاور، ع.، و کوشکی، ش. (۱۴۰۱). روش تحقیق آمیخته. تهران: ویرایش.

۱۱. ریحانی‌محب‌سراج، ندا، فلاحی، محمدعلی، و احمدی‌شادمهری، محمدطاهر (۱۴۰۰). توسعه مالی و اثربخشی سیاست‌های پولی ضدتورمی در ایران. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۸(۲)، ۱۹۱-۲۲۳.
۱۲. زروکی، شهریار، مؤتمنی، مانی، و نیرمانی‌کناری، فاطمه (۱۳۹۴). تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها کاربرد رده‌بندی تلفیقی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی. فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۸(۳)، ۳۳-۶۳.
۱۳. ساندرز، آنتونی، و کورنت، مارسیا (۱۳۹۸). بازارها و نهادهای مالی (جلد اول). (ر. تهرانی، و.ع. نوریخ، مترجم) تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. سهرابی، بابک، اعظمی، امیر، و یزدانی، حمیدرضا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۶، ۹-۲۴.
۱۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل، مرادی، علی، و نوروزی، میثم (۱۳۹۵). تأثیر توسعه بازار پول و سرمایه بر رشد ارزش‌افزوده بخش صنعت ایران با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی. نظریه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۳۰، ۱۲۳-۱۴۸.
۱۶. صبوری، ش. (۱۳۸۷). عوامل موثر بر سودآوری بانک‌های تجاری (مطالعه موردی بانک ملت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۱۷. صمدی، سعید، نصراللهی، خدیجه، و کرملی‌سیچانی، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۶(۳).
۱۸. طباطبایی، سیدمسعود، مکیان، سید نظام‌الدین، و نصراللهی، زهرا (۱۴۰۳). اثرات بانکداری سایه بر ریسک بانکی با توجه به نقش ساختار سرمایه در ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۳ (۴۷): ۳۷۰-۳۴۷.
۱۹. طیب‌نیا، علی، و صفایی، ریحانه (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای از توسعه بازار پول و رشد اقتصادی در کشورهای گروه ECO,OECD. نشریه نامه مفید، ۶۹، ۳۱-۵۴.
۲۰. فلیحی، نعمت، و بخارایی، ریحانه (۱۳۹۶). بررسی اثر عمق مالی بر رشد اقتصادی در ایران. نشریه اقتصاد مالی، ۳۸، ۷۷-۹۸.
۲۱. قریشوندی‌ابراک، اکرم، قویدل، صالح، صوفی، و مجیدپور، مسعود (۱۴۰۳). فراگیری مالی و رشد اقتصادی؛ تحلیل بین‌کشوری، مدل‌سازی اقتصادی، ۶۵، ۴-۲۰.

۲۲. کرسول، جان. دلبیو. (۱۳۹۶). طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی. (م). اسعدی، تدوین، ح. دانایی فرد، و ع. صالحی، مترجم) تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
۲۳. محرابیان، آزاده، و شقایب، بهزاد (۱۳۸۹). تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه علوم اقتصادی، ۱۰(۳)، ۵۳-۷۰.
۲۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ (۱۳۷۹). قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۵. معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ (۱۳۹۹). گزارش معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۶. معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۴۰۰). نقد نظام مالی رایج. قم: رسم وفا.
۲۷. مکیان، سیدنظام‌الدین، و ایزدی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۶۲، ۱۳۹-۱۶۲.
۲۸. منصف، عبدالعلی، ترکی، لیلا، و علوی، سیدجابر (۱۳۹۲). تحلیل اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه دی هشت: علیت گرنجر پانلی با رویکرد بوت‌استرپ (۱۹۹۰-۲۰۱۰). نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۰، ۷۳-۹۲.
۲۹. منفرد، سیده‌مریم، محمدی، تیمور، خضری، محمد، و پریور، اورانوس (۱۴۰۰). نقش توسعه مالی در کارایی سیاست پولی ایران در تعیین تولید و تورم. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۳(۵۵)، ۱۱۳-۱۳۸.
۳۰. نظرپور، محمدنقی، مومنی‌نژاد، ناهید، و حقیقی، میثم (۱۳۹۶). ساختار مالی بانک محور و نقش آن در بروز پدیده رکودتورمی در ایران. فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۸، ۲۴۷-۲۶۶.
۳۱. نوفرستی، محمد (۱۴۰۰). اقتصادسنجی کاربردی داده‌های سری زمانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳۲. ورهرامی، ویدا، جواهردهی، سمانه، و دشتبان فاروجی، سحر (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رشد اقتصاد، توسعه بخش بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش Panel VAR؛ مطالعه موردی کشورهای گروه D۸. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۴(۱۲)، ۳۹-۶۵.

33. Abubakar, A., & MusaGani, I. (2013). Impact of Banking Sector Development on Economic Growth: Another Look at the Evidence from Nigeria. *Journal of Business Management & Social Sciences Research*, 2(4), 47-57.
34. Abusharbeh, M. T. (2017). The Impact of Banking Sector Development on Economic Growth: Empirical Analysis from Palestinian Economy. *Finance and Banking*, 6(2), 2306-2316.
35. Allen, N. B., & Christa, H. B. (2017). Bank Liquidity Creation, Monetary Policy, and Financial Crises. *Journal of Financial Stability*, 30, 139-155.
36. Cleveland Federal Reserve. (2023). What is inflation? Cleveland Federal Reserve.
37. Diamond, D. (1984). Financial intermediation and Delegated Monitoring. *Review of Economic Studies*, 51, 393-414.
38. Dimand, R. (2000). Irving Fisher and the Quantity Theory of Money: The Last Phase. *Journal of the History of Economic Thought*, 22(3), 329-348.
39. Dow, S. C., Ghosh, D., & Ruziev, K. (2008). A Stages Approach to Banking Development in Transition Economies. *Journal of Post Keynesian Economics*, 31(1), 3-33.
40. Hakeem, M. I. (2010). Banking Development, Human Capital and Economic Growth in Sub-Saharan Africa (SSA). *Journal of Economic Studies*, 37(5), 557-577.
41. Ikpesu, F. (2021). Banking sector credit, Inflation and Growth in Sub-saharan African Countries. *Transnational Management*, 26(3), 164-178.
42. Johnson, B., & Onwuegbuzie, A. (2004). Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come. *Educational Researcher*, 33(7), 14-26.
43. Marshal, I. & Toby, A. J. (0503), Impact of Credit Channel of Monetary Policy Transmission Mechanism on the Nigerian Economy, *Journal of Global Economics and Business*, 2(7): 1-31.
44. Mhadhbi, K., Terzi, C., & Bouchrika, A. (2019). Banking Sector Development and Economic Growth in Developing Countries: A Bootstrap Panel Granger Causality Analysis. *Empirical Economics*, 58, 2817-2836.
45. Naghshpour, S., & Davis III, H. (2018). The Impact of Commercial Banking Development on Economic Growth: A Principal Component Analysis of

-
- Association Between Banking Industry and Economic Growth in Eastern Europe. *Monetary Economics and Finance*, 11(6), 525-542.
46. Ölçen, O. (2025). Banking Profitability, Inflation and GDP Relationship: A Monte Carlo Scenario Analysis for Turkey. *Eurasian Journal of Economic and Business Studies*, 69(1), 111-125.
 47. Pesaran, M., & Y., S. (1995). An Autoregressive Distributed Lag Modelling Approach to Cointegration Analysis.
 48. Ramsey, F. (1928). The Mathematical Theory of Saving. *Economics Journal*, 28(152), 543-559.
 49. Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Newyork: Springer.
 50. Shah Habibullah, M., & Eng, Y. k. (2007). Does Financial Development Cause Economic Growth? A Panel Data Dynamic Analysis for the Asian Developing Countries. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 11(4).
 51. Thau, A. (2010). *The Bond Book: Everything Investors Need to Know About Treasuries, Municipals, GNMA's, Corporates, Zeros, Bond Funds, Money Market Munds and More*. London: Mcgraw-Hill.